



بخش دوم مقاله

نقش علوم انسانی در توسعه اجتماعی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور



طلایی اسلام قلمداد نموده‌ایم، در نثر آثار بسیاری از نویسندگان بزرگ ایرانی را در دست داریم که تعداد زیادی از آنها در اثر حوادث طبیعی و یورش‌های بیابانی اقوام وحشی و فراز و نشیب‌های تاریخی از بین رفته‌اند ولی در عین حال آثاری که باقی مانده است، روشنگر اینست که در هزار سال قبل، آن‌گاه که دنیای غرب، در جهل و بی‌خبری، به سر می‌برد، ایران زمین تا چه پایه در علوم عقلی و تجربی، به ویژه علوم انسانی، قافله سالار تمدن و فرهنگ بشری بوده است. ارزش و اعتباری که پادشاهان سامانی، برای نفس علم و دانش قایل بودند و احترام و ادب شایسته‌ای که از بزرگان دانش و فرهنگ می‌نمودند، باعث شد که در آن روزگاران خجسته، به تصنیف، تالیف و ترجمه‌ی کتاب‌های نفیسی، دست یازند. کتاب‌هایی چون شاهنامه‌ی منثور ابومنصوری، ترجمه‌ی کلیله و دمنه، ترجمه‌ی تاریخ و تفسیر طبری، نگارش دانشنامه به پارسی دری و ترجمه‌ی رساله‌ی حی بن یقظان از عربی به پارسی انجام پذیرد. به دستور ابوالعباس فضل‌بن احمد اسفراینی، دیوان دولتی از عربی به فارسی درآمد و همین امر، یکی از عوامل بسیار مهم در رواج نثر پارسی دری و تالیف و تصنیف کتب به فارسی بوده است.

یکی دیگر از شاهنامه‌های منثور فارسی که در قرن چهارم تالیف شد، شاهنامه‌ی ابوالموید بلخی است که آن را شاهنامه‌ی بزرگ و شاهنامه‌ی مویدی هم گفته‌اند. دیگر شاهنامه‌ی ابوعلی محمدبن احمد بلخی‌الشاعر است که از این شاهنامه در کتاب "آثار الباقیه" ابوریحان بیرونی سخن رفته ولی سوگمندان از این شاهنامه اثری در دست نیست. دیگر از داستان‌های منثور که در این عهد نوشته شد،

در دو قرن چهارم و نیمه‌ی اول قرن پنجم هجری یعنی عصر تمدن و فرهنگ طلایی ایران اسلامی، مام وطن ۵۷ شاعر را در دامان خود پرورده و به فرهنگ و تمدن بشری شناسانده است. این شاعران، که در فرصت مقتضی به شرح حالی کوتاه و انتخاب اشعار آنها مبادرت خواهیم نمود، عبارتند از:

- ۱- مسعودی مروزی ۲- رودکی سمرقندی ۳- شهید بلخی ۴- ابوطیب مصعبی ۵- قرالای ۶- ابوشعب هروی ۷- ابوالعباس ربنجی ۸- ابواسحاق جویری ۹- ابوزراعه معمری جرجانی ۱۰- خسروائی ۱۱- شاکر بخاری ۱۲- ابوالموید بلخی ۱۳- ابوشکور بلخی ۱۴- دقیقی طوسی ۱۵- معروفی بلخی ۱۶- ولوالجی ۱۷- لوکری ۱۸- بدیع بلخی ۱۹- منجیک ترمذی ۲۰- طاهرین فضل چغانی ۲۱- آقاجی ۲۲- منطقی رازی ۲۳- خسروی سرخسی ۲۴- قمری جرجانی ۲۵- یوسف عروضی ۲۶- استغنائی نیشابوری ۲۷- خبازی نیشابوری ۲۸- ابوالعلاء شوشتری ۲۹- محمد عبده ۳۰- جنیدی ۳۱- کسائی مروزی ۳۲- رابعه قزداری ۳۳- بشار مرغزی ۳۴- عماره مروزی ۳۵- ایلاقی ۳۶- ابوالفتح بستی ۳۷- حکیم ابوالقاسم فردوسی ۳۸- ابوالهیثم ۳۹- فرخی سیستانی ۴۰- لیبی ۴۱- زینبی علوی محمودی ۴۲- منشوری ۴۳- مسعودی غزنوی ۴۴- مخلدی گرگانی ۴۵- عنصری ۴۶- بهرامی ۴۷- بوذر جمهر قائمی ۴۸- غضایری رازی ۴۹- مسرور طالقانی ۵۰- عسجدی ۵۱- منوچهری ۵۲- عطاردی ۵۳- بالیث طبری ۵۴- امینی نجار ۵۵- روزه نکتی ۵۶- عیوقی ۵۷- ابوسعید ابوالخیر.
- در همین عصر که ما آن را عصر تمدن و فرهنگ

• یکی دیگر از
• شاهنامه های منثور
• فارسی که در قرن
• چهارم تالیف شد،
• شاهنامه ی ابوالموید
• بلخی است که آن را
• شاهنامه ی بزرگ و
• شاهنامه ی مویدی هم
• گفته اند

اخبار فرامرز در دوازده مجلد بوده است که شاید فرامرزنامه‌ی منظوم که اینک در دست است، از روی آن به نظم درآمده باشد.

دیگر کتابی منثور به نام اخبار بهمن که بعدها شاعری به نام ایرانشاه بن ابی‌الخیر آن را به نظم پارسی درآورد. ملاحظه می‌کنیم دوره‌ای که مورد مطالعه‌ی ماست، یعنی عصر درخشان تمدن و فرهنگ ایران اسلامی، چه بزرگانی در عرصه‌ی دانش و فرهنگ، ظهور نمودند که سه نایغه از فرزاندانی که به ذکر نام آنها مبادرت گردید، زکریای رازی، ابوریحان بیرونی و فردوسی، به عنوان بزرگترین شخصیت‌های علمی و ادبی جهان شناخته شدند.

زکریای رازی در علم پزشکی خصوصاً طب تجربی و فلسفه، ابوریحان بیرونی در ریاضیات، نجوم، جغرافیا، فلسفه، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی و فردوسی سخن‌سرای بزرگ طوس، در حماسه و حماسه‌سرایی و تدوین شناسنامه و هویت ملی ایرانیان و زنده‌کننده زبان پارسی. چنانکه نایغه‌ی اخیرالذکر در شاهکار حماسی خویش، "شاهنامه" می‌گوید:

بسی رنج بردم در این سال سی
عجم زنده کردم بدین پارسی
پی افکندم از نظم کاخی بلند
که از باد و باران نیابد گزند
نمیرم از آن پس که من زنده‌ام
که تخم سخن را پراکنده‌ام
هر آن کس که دارد هش و رای و دین
پس از مرگ بر من کند آفرین

اگر بخواهیم درباره‌ی هر یک از این بزرگان که فقط به ذکر نام آنها اشارت رفت، سخن بگوییم و آثار آنها را مورد بررسی و تحقیق قرار دهیم، باید برای هر یک کتابی در خور شان و مرتبت آنها نوشت: در اینجا باید از یک نایغه‌ی بزرگ ایرانی شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا به عظمت یاد کنم که تاریخ پزشکی و فلسفه و روان‌شناسی و روان‌کاوی جهانی به وجود او افتخار و مباهات می‌کند.

در دو قرن هفتم و هشتم هجری، شاعرانی ظهور نمودند که اندیشمند و متفکر بزرگ جهانی، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (مولوی) که سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد (یونسکو)، امسال یعنی سال ۲۰۰۷ میلادی را به نام وی نامگذاری نموده و در سراسر گیتی مراسمی را در بزرگداشت مقام ادبی-عرفانی این نایغه‌ی بزرگ برگزار نموده و استاد سخن سعدی، گذشته از اینکه با فردوسی و در قرن بعد با حافظ، چهار رکن اساسی شعر فارسی را در سطح جهانی در منتهای صلابت و استحکام، پایه‌گذاری نمودند، که تا دنیا باقی است هرگز گزندی بر آن وارد نخواهد شد. اما باید دانست که این دو شاعر فرزانه (مولوی) در وسعت اندیشه و تفکر و سعدی به استادی در سخن شناخته شده‌اند و افتخار ما ایرانیان اینست که پس از جنگ جهانی دوم که میلیون‌ها انسان بی‌گناه، در اثر خبث طینت و ناپاکی ذاتی و دیوسیرتی تنی چند جانی بالفطره به کام مرگ و نیستی فرو رفتند، و صدها شهر آباد و

معمور و زیبا که میراث تمدن بشری بود با سلاح‌های بنیان برافکن به ویرانه‌ای تبدیل گردید و نهب و خرابی و ویرانی را در سراسر گیتی به ارمغان آورد، پس از پایان جنگ، مصلحان گیتی با نگارش اعلامیه‌ی حقوق بشر و منشور ملل متحد و تاسیس کاخ جامعه‌ی ملل، هنگامی که خواستند نثر یا شعری جامع را که تمام ابعاد روحی و معنوی، عواطف و احساسات عالی‌ه انسانی و مکارم اخلاقی را در خود جمع داشته باشد بر سر در کاخ به زبان‌های گوناگون نقر نمایند، در میان تمام آثار ادبی جهان، شعری زیباتر و پر محتواتر از این سه بیت استاد فصاحت و بلاغت سعدی نیافتند که:

بنی آدم اعضای یک پیکرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی
نشاید که نامت نهند آدمی

در تاریخ‌های ۲۲، ۲۳ و ۲۴ اسفند ماه سال گذشته، اولین کنگره‌ی ملی علوم انسانی، توسط پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با حضور تعداد بسیاری از استادان رشته‌های مختلف علوم انسانی، ادیبان، صاحب‌نظران و نویسندگان در مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما برگزار شد که در گروه تخصصی ادبیات و نقد ادبی، اینجانب و تنی



از چپ به راست، آقایان دکتر قبادی، دکتر رزمجو، دکتر گلشنی، دبیر علمی کنگره و نویسنده مقاله در عکس دیده می‌شوند

